

تحلیل کاربرد رنگ در نگاره های معراج نامه میرحیدر بر مبنای جایگاه رنگ در قرآن

مجید و احادیث^۱

الهه توبیهای نجف آبادی^۲

دکتر زهرا فنایی^۳

چکیده:

معراج نامه میرحیدر داستانی عرفانی در توصیف مراحل عروج معجزه آسای پیامبر اسلام در شبی که به بارگاه الهی راه می یابد می باشد و رایج ترین مضمون دینی در عرصه هنرهای تصویری و نگارگری اسلامی ایران می باشد که همواره بستری مناسب برای خلاقیت و نوآوری نقاشان فراهم نموده است. این کتاب در ۸۳۹-۱۴۳۵/۸۴۰-۱۴۳۶ برای شاهرخ تیموری مصور شده است. پژوهش اخیر به بررسی نمادها و مفاهیم رنگی به کار رفته در قرآن و چگونگی تأثرات و تصمیمات هنرمند از این مفاهیم در ارائه مضامین دینی نگاره ها می باشد. نگارگر با آگاهی از اهمیت جایگاه نور و رنگ در عرفان و ابواب معرفتی توانسته با استفاده از آیه های مربوط به رنگ ها، علاوه بر استفاده از آثار روانی رنگ بر شخصیت انسان، مفاهیم مذهبی اسلامی را بسیار غنی و همسو با مبانی نظری و معارف قرآنی و اسلامی بیان کند تا جایی که در این مجموعه تسلط رنگ به جای خط کاملاً مشهود است. روش گردآوری مطالب اسنادی و شیوه تحقیق توصیفی- تحلیلی می باشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مفهوم و جایگاه رنگ در قرآن و تأثیر آن بر روی مفاهیم نگاره های معراجنامه.
۲. شناخت چگونگی و میزان تأثیرپذیری نگارگر از قرآن و چگونگی تجلی معانی و مبانی آن در نگاره های معراجنامه.

سوالات پژوهش:

۱. رنگ در نگاره های معراج نامه چه ویژگی هایی دارد و چگونه می توان مفاهیم قرآنی را در آنها جستجو و بررسی کرد؟
۲. مفهوم و جایگاه رنگ در قرآن چه تأثیری در شکل گیری طرح، نقش و رنگ های نگاره های معراج نامه دارد؟

^۱- بر گرفته از رساله کارشناسی ارشد با عنوان "تحلیل کاربرد رنگ در نگاره های معراج نامه میرحیدر بر مبنای جایگاه رنگ در قرآن مجید و احادیث" به راهنمایی دکتر زهرا فنایی، گروه پژوهش هنر، دانشگاه غیر انتفاعی علم و هنر اردکان می باشد.

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دستی (پژوهش در هنرهای سنتی)، دانشگاه علم و هنر (وابسته به جهاد دانشگاهی)، اردکان، یزد

^۳. استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

واژگان کلیدی: معراج نامه میرحیدر، رنگ، قرآن، نگارگری.

مقدمه:

قرآن کریم، کتابی الهی است که در آن به جنبه ها و جلوه های هنری بسیاری اشاره شده است. رنگها از جمله این جلوه های هنری هستند که به عنوان یکی از آیات الهی در قرآن به آن پرداخته شده است. رنگ هایی همچون سفید، سیاه، زرد، سبز، قرمز و ... به عنوان نشانه هایی برای خردمندان و اهل تفکر و تدبر در قرآن معرفی می شوند. عنصر رنگ یکی از مهم ترین عناصر بصری است که یک نقاش می تواند از آن، برای بیان احساسات خود استفاده کند. رنگ آگاهانه و یا ناخودآگاه توسط هنرمند به کار گرفته می شود و تنها از طریق تجزیه و تحلیل های دقیق اثر می توان به درک و شناخت صحیح از بیان احساسات و اندیشه های هنرمند دست یافت. خداوند در بسیاری از آیه های مربوط به رنگها، به آثار روانی رنگ بر شخصیت انسان اشاره کرده است.

قرآن علاوه بر رنگ های زرد، قرمز، آبی، سبز، سفید و سیاه از یک رنگ معنوی، و رای همه رنگها، نام برده است که «رنگ خدایی و توحید» و بهترین رنگهاست. آیات مربوط به رنگها، گاه اعجاز علمی اند و در مواردی شگفتی های علمی قرآن به شمار می آیند؛ ضمن این که اختلاف رنگ در جهان آفرینش، هم نشانه توحید ربوبی و هم نشانه حکمت الهی است.^۴

مفاهیم رنگ و نور به کار رفته در قرآن در بیشتر موارد در نگاره های ایرانی که حاوی داستان ها و آیات قرآنی هستند، به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف دینی به کار می رفته است. این مفاهیم در طی دوره ها و سبک های مختلف، مورد توجه خاص قرار گرفته و به بهترین نحو با یکدیگر عجین شده و فضایی پر راز و رمز که تأثیر عمیق مفاهیم قرآنی بر آن کاملاً مشهود است برای نگاره ها ایجاد کرده اند.

در دوران تیموری به دلیل گرایش حکام به مذهب و پر رنگ شدن اهمیت آن، مصور شدن داستان های مذهبی حاوی آموزش های دینی و برگرفته از قرآن مورد توجه نگارگران قرار گرفت و بارها در دوران متفاوت توسط هنرمندان متفاوت مصور شده است. معراج نامه یا سفرشبانه پیامبر یکی از این کتب مذهبی است که بسیار مورد توجه قرار گرفته و از جنبه های گوناگون معنوی، الهی و تفکر اسلامی تفسیر شده است (Morris, 1988: 1). میر حیدر در معراجنامه مراحل متفاوت داستان سفر خاک به افلاک پیامبر اسلام که از نقاط آسمانی و بهشتی شروع و به سراسر دنیای دوزخی ختم می شود را در ۶۱ نگاره به تصویر کشیده است.^۵

این پژوهش ضمن بررسی معانی و مفاهیم کلی رنگها، به بررسی روشن و دقیق رنگ در قرآن و توجه و تأثیرپذیری میرحیدر از معانی رنگ های به کار رفته در قرآن جهت خلق آثاری تأثیرگذار و متفاوت پرداخته است. نتیجه بدست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که هنرمندان عصر تیموری با توجه به اهمیت و تأکید حکام و بزرگان کشوری

^۴ - شهید دکتر رضا پاک نژاد ذیل آیه ۶۹ سوره نحل قدرت شفا دهنده گی عسل را مربوط به رنگارنگ بودن مواد اولیه عسل می داند و این را از اعجاز قرآن می شمارد. وی در ذیل آیات ۲۸ سوره فاطر و سوره ۶۹ بقره نیز معجزه های مربوط به رنگ شناسی قرآن بیان می کند. (پاک نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

^۵ - این نسخه خطی به وسیله میرحیدر شاعر به ترکی شرقی ترجمه شده و توسط مالک بخشی از هرات به خط اویغور، رونویسی شده است. اندازه کتاب ۳۴ × ۲۲/۵ در ۲۶۵ صفحه و هم اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود.

این عصر به مسائل مذهبی، این اصل را دستمایه خلق آثار خود قرار داده و در این ضمن با توجه به مضامین و معانی قرآنی به غنی تر کردن مفاهیم آثار خود پرداخته و در نتیجه موفق به خلق آثاری گردیده اند که علاوه بر تبعیت از هنر عصر خود و دارا بودن اصول زیبایی ظاهری، دارای بار معنایی و مفهومی عمیق عرفانی هستند. با توجه به اینکه نگاره های معراج نامه ۳ مرحله کلی سیر زمینی، سیر آسمانی و عروج را در بر می گیرد که موضوعات آن عبارتند از: ۸ نگاره سیر زمینی و آسمانی، ۲۶ نگاره دیدار، ۵ نگاره بهشت، ۱۶ نگاره دوزخ و ۵ نگاره عروج، از هر موضوع یک نمونه انتخاب و از نظر ترکیب بندی و رنگ آمیزی مورد بررسی و مطابقت قرار می گیرند.^۶

پژوهش های صورت گرفته بر نگاره های معراج نامه میرحیدر عبارتند از: تهرانی (۱۳۸۹) در تحقیق "بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در معراجنامه احمد موسی و معراج نامه میرحیدر" به بررسی و مقایسه تطبیقی عناصر ساختاری نگاره های معراج نامه های میرحیدر و احمد موسی از نظر نوع نگرش، عملکرد و چگونگی تصمیمات نقاشانه هنرمندان در ارائه مضامین دینی پرداخته است. شمسی و قزوینی (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان "معراج نامه نگین درخشان نگارگری ایلخانی" به نسخه ایلخانی معراج نامه احمد موسی پرداخته؛ شکل گیری این نسخه را ناشی از باورهای خالص و الفت نگارگران به داستان معراج دانسته است که باعث بازآفرینی فضای واقعی، استفاده از مدل زنده، ظرافت در ترسیم چهره و حالات پیامبر شده است. و آن را به عنوان نقطه ی اوج نگارگری ایرانی در عهد ایلخانی مطرح می کند. محمد زاده و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهش "نمادهای عرفانی در نگاره های دوزخ معراج نامه میرحیدر" موضوع دوزخ را به صورت گسترده در معراجنامه میرحیدر بررسی کرده و با توجه به ماهیت معنوی موضوع از یک سو و بافتار عرفانی عصر تیموری از سوی دیگر به این نتیجه رسیده اند که نگارگران این نسخه در آفرینش تصاویر با استفاده از روایات و احادیث به دفعات از نمادهای عرفانی بهره برده اند. خرازیان و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهش "روایت شرقی معراج نامه میرحیدر" به تفاوت های موجود بین صور تصویر شده در معراج نامه های شاهرخی و آنچه در روایات و آیات آمده پرداخته و نقوش این معراج نامه ها را با نقش مایه های ادیان خاوری و به ویژه بودیسم تطبیق داده و به این نتیجه رسیده اند که نگارگر در نمایش هویت موجودات و عناصر و امدار مفاهیم شرقی است. بر اساس تحقیقات انجام شده هیچکدام از پژوهش های صورت گرفته به صورت خاص به موضوع رنگ در نگاره های معراج نامه میرحیدر بر اساس جایگاه و مفاهیم رنگ در قرآن و احادیث پرداخته است که در این پژوهش مورد کاوش قرار می گیرد.

مفهوم نور و رنگ در معراج نامه میرحیدر

دستیابی به معانی پنهان و درونی رنگ ها در نگارگری ایرانی نیازمند تحقیق و تفحص بسیار می باشد زیرا در پس کنار هم نشستن رنگها حکمت و فلسفه ای غنی نهفته است که حاوی مفاهیم گسترده ای است و معانی فراتر از جلوه ظاهری خود یا ذهن خلاق نگارگر را در بر داشته و می نمایاند و به احتمال بسیار، برگرفته از مفاهیم مذهبی و معانی قرآنی می باشد. عنصر رنگ جایگاه ویژه ای در هنر نگارگری ایرانی دارد و از آنجا که رنگ موثرترین و برجسته ترین وجه تصاویر حسی و توصیفات تجسمی است و نگارگر ایرانی آثار خود را بدون توجه به مفاهیم الهی مصور نمی کرده است

^۶ - یک نگاره نیز در سرلوحه قرار دارد که جمعا ۶۱ نگاره را تشکیل می دهد.

لذا می توان گفت هیچ نقش و رنگی در نگاره های ایرانی وجود ندارد که هنرمند نقاش آنها را بی توجه به معنا و بی هدف به کار برده باشد.

نسخه معراج نامه میرحیدر از جمله کتابهای مذهبی است که رنگ های به کار رفته در آن دارای مفاهیم و معانی عمیق مذهبی موجود در آیات و روایات است. می توان با بررسی رنگ های به کار رفته در نگاره های این کتاب و تطبیق با معانی و رنگ های نام برده شده در قرآن علاوه بر شناسایی ویژگی های بصری رنگ در نگاره های مذهبی ایرانی، به درک معانی، تاثیر و استفاده از آیات قرآنی و چگونگی کاربرد رنگ در این نگاره ها پرداخت.

رنگ های به کار رفته در نگاره های این کتاب عبارتند از: سفید، قرمز، سبز، ارغوانی، زرد طلایی، لاجوردی، کرمی، یاسی، سیاه، آبی، بنفش، نخودی، صورتی و قهوه ای که در این میان آبی تیره یا لاجوردی و طلایی بیش از سایر رنگها خود نمایی می کنند و باعث ایجاد فضایی آرمانی شده اند. در واقع در اغلب نگاره های این دوره، رنگ های طلایی و آبی تیره، رنگ های معیار بودند. (پوپ و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۶) آسمان آبی یک دست، ستارگان طلایی پراکنده و ابرهای رقصان چینی به تصاویر معراج نامه میرحیدر حال و هوای تزیینی داده اند. جبرئیل، چتر بال های رنگارنگ خود را با شکوه تمام، در آسمانی که از ستاره های طلایی و نقره ای پوشیده شده است می گستراند و همه این عوامل باعث شده که این مجموعه در مقام نخست با غنای رنگی خود، تحسین برانگیز باشد (سگای، ۱۳۸۵: ۲۶). به گونه ای که باید رنگ را جذاب ترین و غنی ترین عنصر بصری این نگاره ها دانست.

رنگ در قرآن

قرآن کریم در بسیاری از آیات خود با عنوان کلی رنگ، و یا به تفکیک، رنگهای مختلف را ذکر می نماید. بی تردید تمامی موارد استفاده از این واژه ها با دلیل و حکمت خاصی است که برخی از آنها در تفاسیر بیان و بعضی پوشیده مانده اند. آیات در برگزیده رنگ را می توان در دو دسته بررسی کرد: یک دسته آنهایی که از واژه «لون» یا «صبغه» استفاده کرده اند؛ یعنی بصورت کلی به رنگ پرداخته اند و دسته دیگر آنهایی که مستقیماً از رنگهای مختلف نام برده اند. واژه «لون»، و جمع آن «الوان»، در هفت آیه از قرآن مجید ۹ بار آمده است. از این تعداد، ۷ مورد به صورت جمع، یعنی «الوان»، و دو مورد مربوط به «لون» است؛ اما کلمه «صبغه» دو مرتبه و تنها در آیه ی ۱۲۸ سوره بقره وجود دارد. آیات مربوط به «لون» و «صبغه» در سوره های مبارکه قرآن کریم چنین می باشند: آیه های ۶۹ و ۱۳۸ سوره بقره - آیه ۲۲ سوره روم - آیه های ۱۳ و ۶۹ سوره نحل - آیه های ۲۷ و ۲۸ سوره فاطر - آیه ۲۱ سوره زمر - (بغدادی، ۱۴۰۵: ۱۸۹).

در قرآن کریم از شش رنگ سفید و سیاه (بقره/۱۸۷؛ آل عمران/۱۰۶؛ نحل/۵۸؛ زمر/۶۰؛ زخرف/۱۷) زرد (بقره/۶۹؛ روم/۵۱؛ زمر/۲۱؛ حدید/۲۰؛ مرسلات/۳۳)، سبز (انعام/۹۹؛ یوسف/۴۳ و ۴۶؛ یس/۸۰؛ کهف/۳۱؛ حج/۶۳؛ الرحمن/۷۶؛ انسان/۲۱)، کبود (آبی) (انعام/۶۹) و قرمز (فاطر/۲۷) یاد گردیده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به تأثیرات روان شناختی و بعضاً فیزیولوژیکی آنها اشاره شده است (شریفی، ۱۳۹۳: ۵).

مفهوم رنگ ها در قرآن

۱- رنگهای سیاه و سفید

قرآن به صراحت به رنگ سفید (ماده بیض) دوازده مرتبه و به رنگ سیاه (ماده سود) ده مرتبه اشاره کرده است. کاربرد این دو رنگ متقابل در قرآن کریم با توجه به جنبه روانشناسی آنها صورت پذیرفته است، برای مثال سیاهی و سفیدی چهره انسان‌ها در قیامت. سفید، نماد ایمان و سعادت و سیاه نماد جهل و شقاوت است. قرآن کریم برای بیان سعادت مؤمنان چهره آنان را با سفیدی و برای نشان دادن شقاوت و بدبختی کافران آنها را با سیاهی به نمایش می‌گذارد. " این عذاب روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد" (آل عمران، ۱۰۷/۳-۱۰۶). مرحوم استاد علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌نویسند: "سفیدی کنایه از خشنودی اهل ایمان و سیاهی کنایه از انفعال و خجالت و سرافکندگی کافران دارد" (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۴۱۴). این تعاریف در نگاره‌های معراجنامه نیز به خوبی مشاهده می‌شود به این مفهوم که نگارگر رنگ سیاه را برای نشان دادن مفاهیمی چون دوزخ، جهنم و تباهی و رنگ سفید را بیشتر از همه در عمامه‌ی پیامبر به نشانه پاک‌ی، صلح و ایمان، در لباس مومنان به نشانه تقوا و ایمان، و سپس برای بیان زیبایی‌های طبیعت به کار برده است. (تصاویر ۷ و ۸) هر اثر هنری از لحظه‌ای که ارائه می‌شود، منش ارتباطی می‌یابد (احمدی، ۱۳۸۳: ۳۹۱). قرآن نیز با وجود اینکه یک کتاب هنری یا علمی صرف نیست، چه از جنبه هنری و چه از جنبه علمی، هم تأثیرات روان‌شناختی رنگ‌ها را بیان کرده و هم با نوع بیان هنری خود، از طریق نام رنگ‌ها بر مخاطب اثر می‌گذارد (شریفی، ۱۳۹۳: ۵).

۲- رنگ زرد

زرد به عنوان درخشانده‌ترین و انرژی‌زاترین رنگ گرم، برون‌گرا و هشدار دهنده، انسان را به خرد ورزی و دانایی وا می‌دارد. اکثر رنگ‌شناسان معتقدند که زرد، رنگی شاد و فرح بخش است و التهاب و درد را کاهش می‌دهد (Chijiwa, 1987: 13). زرد رنگی با نوربخشی، فعالیت و از سرگیری زندگی، احساس دل‌تنگی را از انسان می‌زداید و نشاط و شادی را برای او به ارمغان می‌آورد (ابوطالبی، ۱۳۷۲: ۷۱). "در حقیقت آن؛ گاوی زرد است که رنگش یک دست است و بینندگان را شاد می‌سازد". (بقره/۶۹) طلایی از طیف زرد و مخلوط با نارنجی، رنگی جذاب و مسرت بخش و نماد آخرت و ایمان است و با عرفان و الوهیت در ارتباط است، گنبد‌های طلایی اماکن مقدس روحیه ایمان و تفکر به معاد را برای انسان یادآور می‌شود (Itten, 1997: 85). رنگ زرد در قرآن کریم با واژه‌های «صفر، صفراء و مصفراً» پنج بار در آیه‌های بقره/۶۹؛ ۲. روم/۵۱؛ ۳. زمر/۲۱؛ ۴. حدید/۲۰؛ ۵. مرسلات/۳۳ به کار رفته است و معانی همچون مسرت و حیات، الوهیت، پژمردگی و نیز آتش جهنم را در بر دارد. یکی از کاربردهای قرآنی رنگ زرد درباره آتش جهنم است که به شتران زرد مو تشبیه شده است. بنا بر مفاهیم موجود در این آیات، نگارگر معراجنامه از رنگ زرد (طلایی) در کلیه نگاره‌های خود به میزان متفاوت بهره برده است به این معنا که در کلیه نگاره‌ها به صورت هاله‌ی دور سر پیامبر(ص) و به نشانه تقدس، در نگاره‌های دوزخ برای نشان دادن آتش عذاب شوندگان، در بناها به نشانه مذهبی بودن و در سایر نگاره‌ها برای نشان دادن نور الهی و نیز مجزا کردن مکان پیامبر از سایر قسمت‌ها و اجزای تصویر استفاده کرده است.

۳- رنگ سبز

سبز رنگ آرامش همراه با تفکر است برخلاف آبی که رنگ آرامش صرف است. اگر رنگ زرد را نماد خرد و دانش و رنگ آبی را نماد معنویت و ایمان بدانیم، سبز مظهر عقل و ایمان و رنگ تعالی و کمال است. (ابوطالبی، ۱۳۷۲: ۱۱۸) سبز نماد ایمان و رنگ بهشتی است و چون در آن ایمان و اطمینان مشهود است، نزد مسلمانان رنگ مقدس شمرده شده و مردم از طریق این رنگ با پیامبر و اهل بیت ارتباط برقرار می کنند (ابوطالبی، ۱۳۷۲: ۱۲۵). سبز در فرهنگ قرآن کریم، رنگی بهشتی است و در هفت مورد در وصف سبزی گیاهان و رویدنی های سطح زمین به آن اشاره شده و آن را نشانه ای برای اهل ایمان دانسته است. سبزی لباس ها و فرش ها و روکش پستی های بهشتی از مواردی است که قرآن ذکر می کند (کهف، ۳۱/۱۸) و از این طریق بهشت را مقری جاوید و خانه امن و آرامش قرار داده است. نگارگر معراج نامه از همین مفهوم در رنگ آمیزی لباس پیامبر و جبرئیل و لباس و تخت فرشتگان و بهشتیان و به تصویر کشیدن باغ های بهشت استفاده کرده و توانسته جاودانگی آن را به خوبی به نمایش بگذارد. در آیه هشتاد سوره مبارکه یس یک اثر هنری در زمینه رنگ می بینیم: "همان کسی که از درخت سبز برای شما آتش آفرید و شما به وسیله آن آتش می آفریزید". (یس، ۸۰/۳۶). آنچه این آیه شریفه در ذهن می آفریند رنگ قرمز آتش و سبزی درخت است که در کنار یکدیگر قرار می گیرد. در نگاره های میرحیدر نیز این ترکیب همواره مشاهده می شود بخصوص در مورد رنگ سبز لباس پیامبر و رنگ قرمز متمایل به قهوه ای بدن براق.

۴- رنگ آبی

آبی نماد صلح است و در بعد معنوی و مذهبی معنای بسیاری در فرهنگ ها و سنت ها دارد. آبی نقطه مقابل قرمز، درون گرا و غیرفعال و خاصیت آرام بخشی دارد (Luscher, max, 1990: 50). رنگ آبی، به صورت مستقیم یک بار در سوره طه آیه ۱۰۲ به معنای حزن و اندوه آورده شده است "همان روزی که در شیپور دمیده می شود؛ و خلفکاران را در آن روز، در حالی که چشمانشان (کور) کبود است گرد می آوریم". در آیات مختلف دیگر نیز شب بستر آرامش اهل زمین خوانده شده است. امام صادق (ع) در کتاب توحید مفضل با اشاره به رنگ کبود آسمان در شب می فرماید: «پس تفکر کن که چگونه رنگ آسمان را کبود مایل به سیاه قرار داد که نگاه کردن مکرر به آسمان، به دیده ضرر نرساند...» (محمودی، ۱۳۸۷: ۷۸). مفاهیم بکار رفته در قرآن و روانشناسی بخوبی در نگاره های معراجنامه استفاده شده به این معنا که آبی لاجوردی در آسمان نشان از حادث شدن اتفاق در شب کبود است. در نگاره هایی که آسمان کبود است هیچ عنصر لاجوردی دیگری در تصویر مشاهده نمی شود. دیگر عناصری که رنگ آبی را نشان می دهند عبارتند از: لاجوردی در کاشیکاری بناها و آبی روشن در لباس ها، آسمان و رودها (در نگاره های بهشت) که صلح و آرامش حاکم در بهشت را بخوبی نمایان می کند.

۵- رنگ قرمز

رنگ قرمز رنگ بسیار گرم و نماد آتش، خشونت و جنگ و همچنین عشق، شور و هیجان حرکت و تلاش است. قرمز رنگ قلب و رنگ زبانه های آتش است و نگاه ها را به سوی خود می کشاند (ولان، ۱۳۷۸: ۲۲۹). رنگ قرمز در قرآن کریم با واژه «حمر» در آیه ۲۷ سوره فاطر " به کار رفته است " آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که به وسیله آن میوه های رنگارنگ خارج ساختیم و از کوه ها نیز به لطف پروردگار، جاده هایی آفریده شده سفید و سرخ و

به رنگ های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه" در این آیه شریفه خداوند در کنار تنوع رنگ ها در میوه ها و ثمرات به اختلاف رنگ جاده ها در کوه ها اشاره می کند (قرشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲). نیز به معنای گل سرخ در آیه ۳۷ سوره الرحمن به کار رفته است "پس هنگامی که آسمان شکافته شود و هم چون روغن مذاب گلگون گردد". «طبرسی» در توضیح «ورده» می گوید: کلمه ورده در این آیه به معنای «گل سرخ» تداعی سرخی آسمان هنگام قیامت است که وجه تشبیه همان گرم بودن و فعال بودن زیاد است. آسمان روز قیامت به گل سرخ تشبیه شده است. نگارگر از رنگ قرمز تقریباً در کل آثار به صورت پراکنده استفاده کرده است مانند لباس ملائک یا بدن براق و ... ولی بیشترین حضور آن در نگاره های دوزخ برای نشان دادن شیاطین، دوزخیان و آتش جهنم بوده است.

عناصر اصلی تصویری معراج

۱- پیامبر و هاله نورانی دور سر: در کلیه نگاره ها پیامبر با لباس سبز و عمامه سفید به همراه هاله ای طلایی ظاهر شده اند. (در کلیه تصاویر معراجنامه به غیر از نگاره موسی پیامبر به تصویر کشیده شده اند). زین براق به رنگهای آبی، ارغوانی و بنفش و بدن براق به رنگ قرمز مایل به قهوه ای است. کلیه ترکیب های رنگی به کار رفته در تصاویر حتی در عین تضاد، بسیار آرامش بخش و چشم نوازند. در تصاویر کتاب معراج نامه هاله ای نورانی طلایی پیکره پیامبر(ص) و براق را پوشانده و به این طریق تقدس ایشان و اتفاق در حال انجام نشان داده شده است. در ادوار هنری نگارگران برای شاخص نمودن و تقدس بخشیدن به چهره های مقدس از روش های مختلفی مانند اختصاص موقعیت های مکانی خاص در ترکیب بندی و یا استفاده از هاله نور به اشکال و رنگ های مختلف (دور سر یا تمام بدن) استفاده نموده اند (افشار، ۱۳۸۴: ۳۹).

ترسیم هاله نورانی پیرامون سر پیامبر از اواخر قرن ۱۴م/ ۸ ه.ق و کشیدن نقاب بر چهره ایشان در پایان قرن ۱۵م/ ۹ ه.ق به نشان تجلیل و تمایز آن حضرت است. (عکاشه، ۱۳۸۰) در بیشتر معراج نامه ها نحوه ی ترسیم نور دور سر پیامبر اکرم(ص) به صورت آتش^۷ آمده است. آتش نماد استحاله، تطهیر، نیروی زندگی بخش، حمایت یا حفاظت، گداختگی، رنج و واسطه انتقال پیام ها است (کربن، ۱۳۷۹: ۸). در ترسیم شعله های معراجنامه تنوع زیادی به چشم می خورد. گاهی نور تنها پیکر پاک پیامبر اسلام را احاطه کرده، گاهی پیکر پیامبر و براق با هم به طور کامل در هاله نور هستند، گاهی تنها دور سر پیامبر نور است و گاهی برای جداسازی ایشان از سایر افراد مقدس هاله دور سر ایشان بزرگتر و با شعله های کشیده تر ترسیم شده است. عمامه ی روی سر پیامبر ظریف و فرم آن از نحوه ی پوشش مکاتب هم عصر خود پیروی می کند.

۲- براق مرکب پیامبر: در مورد براق در روایات آمده که براق حیوانی سفید و بلند است با صورتی انسان گونه و دمی مانند دم گاو، یالی چون یال اسب و ... با دو بال در قسمت ران ها (ادیب بهروز، ۱۳۸۷: ۸۱-۸۰). در اشعار و متون نیز بر اینکه براق موجودی فرازمینی و غیر عادی بوده تأکید شده است. در آثار معراج نامه میرحیدر نیز همانند سایر معراج نامه ها، پیامبر سوار بر مرکبی با چهره انسانی و بدن اسب و به رنگ قرمز تیره یا ارغوانی^۸ به تصویر کشیده شده است.

^۷ - آتش در سانسکریت دارای معانی درخشان، روشنائی و زیبایی است.

^۸ - ارغوانی: آرام بخش، اسرارآمیز، خشنودکننده و انتقادی بوده و نماد تقدیس، عشق یزدانی و سلطه روحانی است.

این مرکب شگفت انگیز در بیشتر موارد به شکل چهره نمادین تصویرگری ناب در نقاشی ایران و در پاره ای آثار فاقد ارزیابی جنسیتی در چهره پردازی است. بدن حیوان چهارپا همانند بدن اسب بالدار با دم بلند، نقش ویژه ای در ترکیب بندی مجالس معراجیه ایفا می کند (شین دشتگل، ۱۳۸۹: ۸۹).

در اکثر تصاویر معراج، براق به صورت سه رخ با تاج مرصع یا کلاه نمدی، زینی از زمرد و رکابی فیروزه ای ترسیم شده است. پیکر براق نیز با پوششی از نور احاطه شده که نشان از تقدس این مرکب آسمانی دارد. در بسیاری از نگاره ها براق بصورت نیمه و در حال ورود به صحنه نمایش داده شده است. شاید هنرمندان نگارگر در ادوار مختلف در آثارش خواسته معنای لغوی نام براق را نیز مورد توجه قرار دهد. در لغت، براق را از ماده «برق» مشتق می دانند، چرا که حرکت آن بسیار سریع و تند مانند برق است و دلیل دیگر نامیدن آن نور بسیار قوی است، زیرا از این نظر نیز مانند برق است (ادیب بهروز، ۱۳۸۷: ۷۹).

۳- **جبرئیل:** جبرئیل در نگاره های معراج نامه میرحیدر در لباس هایی به رنگ قرمز، سبز، بنفش و ارغوانی، با بال های رنگارنگ سیاه، صورتی، زرد، سبز، قرمز و تاجی زرین یا کلاهی نمدی (همچون براق) بر سر (که نشانه کرامت اوست) و گاهی با هاله نورانی نشان داده شده است. (شین دشتگل، ۱۳۸۹: ۸۸) در تصاویر آسمان هفتم که عالم فرشتگان و آخرین مرحله اتصال به نورالانوار است، جبرئیل راهبر پیامبر (ص) به درگاه باری تعالی بوده (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۰). در تصاویر معراجنامه جبرئیل در ۹ نگاره دیده نمی شود، در ۴ نگاره پشت سر پیامبر، در ۱۳ نگاره همگام و در سایر نگاره ها جلوتر از ایشان نشان داده شده است.

۴- **فرشتگان:** در پیکره شناسی دوره تیموری، عموماً فرشته ها را با جلیقه های آستین کوتاه، روی پیراهنی با آستین های بلند، به رنگ های زرد، نارنجی، قرمز، سبز، بنفش و ... نشان می دهند. چین های ساده گاهی با خطوط زیبا و ظریف و گاه پهن و سنگین مشخص شده اند. چهره فرشتگان، ظاهری شبیه به قدسیان دارند. آن ها با تاج های طلایی از نوع مغولی، موهایی مشابه طرح های آسیای مرکزی، کمربندهایی از مروارید که با روبان های بلند و نقش هایی از ابرچینی تزئین گردیده مشاهده می شوند.

۵- **عناصر فرعی یا جزئی:** عناصر فرعی تصویرگری مانند ابرها، آب، فضاها، معماری و عناصر متعلق به آن، فرش ها و زیراندازها، حیوانات، شعله های آتش، درختان و شکوفه ها و گل ها و... در معراج نامه هر کدام به فراخور موضوع استفاده شده اند. هدف هنرمند بیشتر نمایش و داستان معراج و تأکید بر جنبه معنایی و مفهومی این واقعه بزرگ الهی بوده و در نتیجه با توجه به داستان، تنها در نگاره های با موضوع خاص به جزئیات مربوطه پرداخته شده است. برای مثال باغ و بوستان و گل و درختان و حیوانات تنها در نگاره های متعلق به بهشت و آتش در نگاره های متعلق به دوزخ مورد استفاده قرار گرفته است. عناصر اصلی و ثابت در معراج پیکره ی پیامبر (ص) براق و جبرئیل است که در معراج نامه های مختلف نحوه ی حضور این عناصر برحسب فراز داستان تغییر می کند و پررنگ یا کم رنگ می شوند (شمسی، شاد قزوینی، ۱۳۸۵: ۹۲-۸۵).

بررسی و تحلیل رنگ در معراج نامه

در معراجنامه میرحیدر استفاده از مفاهیم عرفانی رنگ ها در کنار عناصر نمادین مد نظر بوده و علاوه بر طراحی و حرکت روان قلم که ترکیب بندی موزونی را ایجاد نموده، رنگ پردازی درخشان و جذابی نیز به کار رفته است. رنگ ها با چینش مناسبی از گرم و سرد کنار یکدیگر قرار گرفته و موجب گردش چشم در کل اثر می شود. استفاده از رنگ های قرمز، زرد و نارنجی در لباس فرشتگان گرمی و نشاط خاصی به وقایع بخشیده است. رنگ سرخ لباس فرشتگان، رنگ حق و حقیقت، رنگ سبز لباس پیامبر (ص) رنگ تعقل و تفکر و آرامش خردمندان و رنگ قداست و تأکید بر جنبه های عرفانی و به تعبیر علاء الدوله سمنانی، واپسین نور سبز درخشان، رنگ راز رازهاست (پیشوازاده، ۱۳۸۵: ۳۶۵-۳۶۴). رنگ سفید عمامه نشانه پاکی و صلح و آرامش، رنگ سیاه دوزخ نشان از تاریکی و ظلمت و... است. داستان معراج در فضای لایتناهی آسمان لاجوردی به نمایش در آمده و ابرهای پیچان طلایی و سفید فضا را پوشانده اند. رنگ لاجوردی آسمان و ابرهای موج حالت عرفانی و معنوی در آسمان مینوی را به نمایش می گذارد (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۴۰).

در آثار نگارگری ایرانی معمولاً آسمان را با رنگ های آبی، لاجوردی و طلایی به نمایش گذاشته اند که همه سمبل لایتناهی است. در ادب فارسی آسمان به مفهوم عالم بالا (غیب) و الهی به کار رفته است. در فرهنگ اسلامی اغلب بهشت در آسمان تصویر شده و جایگاه ملائک و تقدیر الهی و سرزمین بازگشت روح پس از مرگ نیز آسمان بوده است. رنگ آبی مظهر آسمان و گستردگی باطن است و به همراه طلایی، الهام گرفته از زمین و آسمان هستند، این دو رنگ در عین تضاد دارای هماهنگی و آرامش دلنشین اند. تصویر کردن عالم الوهیت با دو رنگ درخشان طلایی و آبی (رنگ نور لایزال و رنگ معنویت درون) نشان از درخشندگی خاص آن عالم است، رنگ آبی لاجوردی، رنگ عمق و معنویت، رنگ آسمان آرامش بخش و شب است و سفر پیامبر در شبانگاه اتفاق افتاده است و هنرمند از این رنگ برای بیان بهتر سفر شبانه سود برده است (پیشوازاده، ۱۳۸۵: ۳۷۱-۳۷۰).

تحلیل رنگ در آثار منتخب معراج نامه میر حیدر

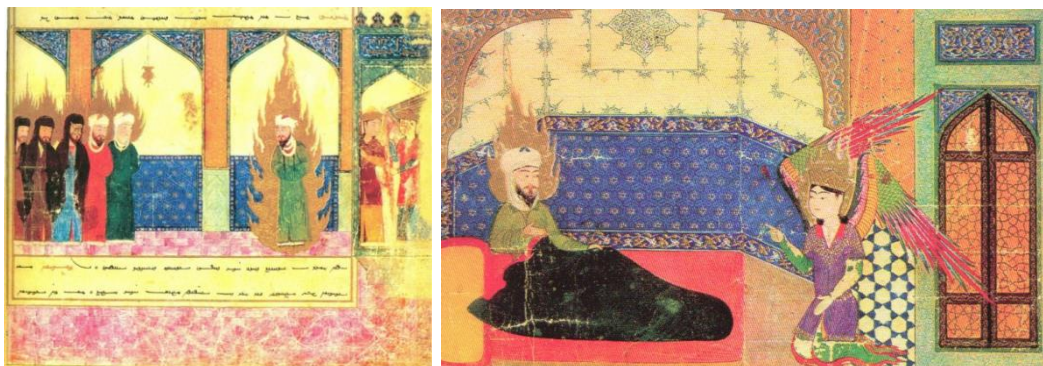
پس از بررسی های صورت گرفته در زمینه معانی و مفاهیم رنگ ها، همگامی این مفاهیم با معانی قرآنی و کاربردشان در نگاره های معراجنامه میر حیدر، از هر کدام از مراحل ۵ گانه سفر روحانی پیامبر یک نگاره بصورت تصادفی انتخاب، رنگ ها و ویژگی ها به کار رفته در آن ها از نظر مفاهیم قرآنی بررسی و تحلیل می گردد.

۱- سیر زمینی در معراجنامه

اولین مرحله از این سیر، طبق آیه *مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا* (بخشی از آیه اول سوره اسراء) سیر زمینی است که شامل ۸ نگاره می باشد. این تصاویر از نزول جبرئیل بر پیامبر (ص) تا رسیدن ایشان به آسمان اول را در بر دارد. در این بخش از سفر روحانی پیامبر در ۳ نگاره فضاهای معماری به سبک تیموری دیده می شود و بیشترین میزان استفاده از فضاهای معماری زمینی با تزئینات کاشی، مشبک و گچبری صورت گرفته است. تصاویر ۱ و ۲ نمونه ای از این تصاویرند.

تصویر شماره ۱ نزول جبرئیل بر پیامبر: هنرمند برای بیان این صحنه از ترکیب بندی دقیق، شخصیت پردازی دو بعدی و ترکیب بندی پیکره ای که هنر اولیه تیموری را به تصویر می کشد استفاده می کند. از حجم نمایی صرف نظر کرده و

اثر خود را بر اساس درخشندگی رنگها، شفافیت خط، توجه به ریزه کاری و جزئیات در تزئینات، نادیده انگاشتن عمق، کوتاه نمایی تصویر در فضای کف اتاق، فقدان سایه روشن و گسترش افقی تصویر خلق کرده است. فرشته بال های رنگارنگ، پیراهن سبز، ردایی بنفش، تاج و هاله ای طلایی و هاله ای قرمز در اطراف پاهای خود دارد و جلوی پای پیامبر که در حال برخاستن از بستر خود است زانو زده. پیامبر با هاله ای نورانی احاطه شده و دستار سفید به نشانه ایمان و سعادت به سر دارند. در بسته ی پشت سر جبرئیل به فضای کاملاً بسته و سِری تأکید می کند. کلیه فضای اتاق شامل تزئینات مشبک در و دیوار های کاشی کاری و گچبری شده بر اساس معماری و تزئینات هندسی و کاشیکاری دوره ی تیموری صورت گرفته است. پیامبر با لباس سبز در میان بستری قرمز، بالشتی زرد و رواندازی سبز تیره (متماثل به مشکی) قرار دارند. انتخاب این رنگ ها بخصوص ترکیب سیاه و قرمز و زرد چشم بیننده را به سمت ایشان جلب می کند. رنگ سبز تیره برای ایجاد تضاد و در نتیجه جذابیت و کاهش گسترش و شدت رنگ قرمز به کار رفته و زرد متمایل به آکر نسبت به سایر رنگ ها به میزان کمتری استفاده شده است.



تصویر ۱- سیرزمینی- نزول جبرئیل بر پیامبر (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۲).
تصویر ۲: ورود پیامبر به مسجد مقدس اورشلیم (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۴).

ویژگی های نگاره های سیر زمینی

- ۱- نگاره های سیر زمینی نسبتاً خلوت هستند به جز نگاره ی "در راه اورشلیم".
- ۲- در نگاره های این بخش رنگ های به کار برده شده به علت تعداد کم پیکره ها و حضور گسترده آسمان و فضاهای معماری اکثراً رنگهای سردند.
- ۳- رنگ در این نگاره ها عاملی برای بیان گذر و رسیدن به سایر مراحل معراج شده است.
- ۴- استفاده از رنگ های ذکر شده قرآنی با همان مفاهیم به کار رفته در قرآن و به ترتیب اولویت: لاجوردی، طلایی، سبز، قرمز، سیاه و سفید می باشد.
- ۵- رنگ طلایی از پر کاربردترین رنگ های این نگاره ها و در هاله دور سر افراد مقرب و نیز بصورت پراکنده در آسمان به عنوان نور الهی به کار رفته است. سایر رنگ ها شامل قهوه ای، نقره ای، صورتی بنفش است که معمولاً در لباس های فرشتگان و مقربین به کار رفته است.
- ۶- رنگ های گرم شامل قرمز، نارنجی، زرد و طلایی که در لباس فرشتگان، بال جبرئیل، زیرانداز پیامبر، زین براق و ابر استفاده شده و رنگ های سرد لاجوردی و سبز در آسمان و لباس پیامبر بیشترین کاربرد را داشته است.

۷- رنگ ها در کل آثار واضح و متعادل به کار برده شده است. آسمان لاجوردی با ابرهای سفید در همه جا دیده می شود و به آسمان زمینی و مادی نزدیک است.

۸- در نگاره های سیر زمینی به دلیل نشان دادن آغاز سفر از زمین، بیشتر از فضاهای معماری تیموری استفاده شده است و بناها اغلب به رنگ های آبی، سبز، نخودی و نارنجی هستند.

۲- سیر آسمانی معراج (دیدارهای پیامبر، بهشت، دوزخ)

۱-۲ دیدارهای پیامبر

در تمامی تصاویر این بخش، هنرمند در ترکیب بندی ها به عنصر حرکت و گذر از آسمانی به آسمان دیگر تأکید کرده است. قطع شدن تقریباً نیمی از بدن براق توسط قاب سمت راست جدول، نشانه گذر از مرحله قبل و ورود به مرحله جدید است. همچنین حالت بال ها، دست ها و پاهای جبرئیل نشان از حرکت و عبور در این مرحله دارد.

در آسمان سوم عموماً رنگ دستارها سفید است که عمدتاً به عنوان یکی از رنگ های بهشت، در نظر گرفته می شود. لباس پیامبران سبز یشمی و آکر با دستاری سفید است. دستار در اسلام نمادی از وقار و قدرت و معمولاً نشانه تمایز مسلمان از کافر است. اجزای تصویری این صحنه ها بسیار به هم شبیهند. حالت همه پیکره ها یکسان است؛ تنها صورت ها، موقعیت دست ها و آرایش بال فرشتگان، در ترکیب ها تنوع به وجود آورده است. (تصاویر ۳ و ۴)



تصویر ۳- ملاقات پیامبر با حضرت یعقوب و یوسف (ع) (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۱۶).

تصویر ۴: خوش آمد گویی فرشتگان میزبان به پیامبر (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۱۵).

ویژگیهای نگاره های دیدارهای پیامبر

۱- میزان استفاده از رنگ های گرم و سرد در این بخش نسبتاً برابر است. محل کاربرد رنگ سرد بیشتر آسمان و در برخی موارد لباس پیامبران و فرشتگان و شامل آبی، سبز، یاسی و بنفش می باشد. رنگ های گرم بیشتر در لباس افراد، بال فرشتگان، زین براق و هاله های نور استفاده شده است.

۲- آسمان همه جا با لاجوردی و لکه ابرهای طلایی پراکنده تصویر شده است.

۳- لباس پیامبران نسبت به لباس فرشتگان بلندتر و بیشتر قرمز، سبز، زرد با دستاری سفید است

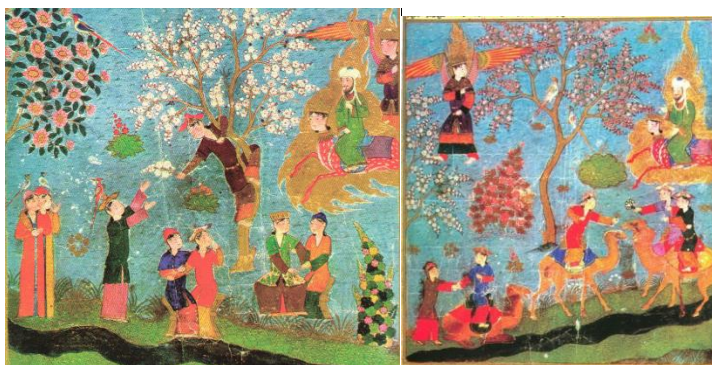
۴- سایر رنگهای به کار برده شده عبارتند از کرمی، بنفش، ارغوانی، قهوه ای.

۵- نگاره های این مرحله نسبت به دیگر نگاره ها شلوغ تر و تعداد پیکره های بیشتری دارد.

- ۶- در دیدارهای پیامبر حالت ایستادن پیکره ها در تمام نگاره ها یکی است و نگاره ها از نظر ترکیب بندی بسیار شبیه به هم هستند ، فقط در برخی جزئیات مثل تعداد پیکره ها ، رنگ آمیزی لباس هاو...تفاوت دارند.
- ۷- پیامبر سوار بر براق در قسمت راست نگاره هاست و در سمت دیگر سایر پیامبران و فرشتگانی که به دیدار و خوش آمد گویی ایشان آمده اند قرار دارند.
- ۸- در نگاره های این بخش جبرئیل بیشتر در مرکز و میان پیامبر و دیگران قرار دارد و مانند رابط عمل می کند.

۲-۲- نگاره های بهشت

در باغ های بهشت، پیامبر (ص) در حالی که با هاله ی نور احاطه شده در معیت جبرئیل، براق را می راند، تعداد زیادی از زنان جوان و زیبا را می بیند. بعضی شوخی و بازی می کنند، عده ای از درختان بالا می روند و گل می چینند و برخی روی صندلی های طلا نشسته و با خوشحالی به گفتگو پرداخته اند. پرنده گان شگفت انگیز بر سر آنها فرود می آیند. آسمان آبی روشن بدون هیچ ابر و نوری، فرشتگان با موهای پوشیده از پر، لباس های رنگارنگ، زمین سبز و جوی آب روان نقره ای نقاشی شده است.(تصاویر ۵ و ۶) قرآن در سوره ی بقره آیه ی ۲۵، بهشت را به زبان تصویر توصیف می کند که شباهت زیادی به این نگاره دارد. روش نمایش زمین در این باغ ها، از مکتب مغولی الهام گرفته شده است. در این روش، بخش های طولی مشابه به تدریج به سمت افق اضافه می شوند. گیاهان، برگرفته از نقاشی شرق دور است. ساقه ها با یک ضربه ی قلم، نقش شده و بوته ها با تنه ی پرپیچ و خم و شاخه های درهم پیچیده با گل ها پوشیده شده اند.



تصویر ۵: سرگرمی حوریان (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۴۲).

تصویر ۶: بهشت (سیر آسمانی) - حوریان (سمت چپ) (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۴۱).

ویژگی های نگاره های بهشت

۱- تنوع رنگی در نگاره های باغ بسیار زیاد است خصوصاً رنگ های گرم مثل قرمز، نارنجی و ... که در لباس یا بال فرشتگان، گل ها و حیوانات مشاهده می شود. رنگ های آبی و سبز نیز، در آسمان و سبزی چمن و درختان کار شده است. از رنگ های، سبز، آبی، قرمز، طلایی یا زرد، سفید و سیاه، که از رنگ های قرآنی هستند تقریباً با همان مفاهیم بیان شده در قرآن استفاده شده است.

- ۲- در نگاره ها آسمان یکدست آبی بدون لکه های ابر و در کنار فرشتگان گل های صورتی، سفید، قرمز و سبز که نمایانگر صحنه ای بهاری است نقش شده است.
- ۳- رنگ طلایی فقط به عنوان هاله ی اطراف پیامبر استفاده شده است.
- ۴- ترکیب بندی این بخش بسیار متفاوت با سایر ترکیب بندی هاست و جنب و جوش و نشاط در آن کاملاً مشهود است. عناصری همچون فرشتگان، طبیعت و حیوان در آنها به کار برده شده است و تنها در نگاره های این مرحله از درخت و حیواناتی مثل شتر و پرندگان استفاده شده است.

۲-۳- نگاره های دوزخ

پس از ترک بهشت دومین مرحله سفر پیامبر آغاز می شود. جبرئیل دوزخ را به پیامبر نشان می دهد و ایشان عذاب کیفر شوندگان در هفت دوزخ را می بینند. این بخش آخرین نگاره های کتاب و شامل ۱۶ تصویر با مضامین انسان های گناهکاری در حال زجر کشیدن، شیاطینی با چهره های برافروخته و اغلب بدن های سرخ و سیاه و ترسناک که آتش از دهانشان زبانه می زند، در فضایی سیاه رنگ و آکنده از آتش سرخ می باشد. جبرئیل با لباس های رنگارنگ خود در یک نگاره مقابل پیامبر، در یک نگاره جلوتر از ایشان و در بقیه نگاره ها همراه و نزدیک ایشان قرار دارند. پیامبر سوار بر براق در همه نگاره ها در سمت راست تصویر در حال ورود به صحنه ترسیم شده اند.

تصاویر شماره ۱ و ۸ نگاره هایی از دوزخ نشان داده شده است، پیامبر از سمت راست تصویر سوار بر براق وارد فضایی تیره و کدر می شوند و جبرئیل با همان لباس ها و بالهای رنگارنگ کنار ایشانند. دیوها با هیبت بزرگ و وحشتناک در میان آتش طلایی و سرخ قرار گرفته اند. این نگاره ها به دو بخش تقریباً مساوی تقسیم شده و پیامبر و جبرئیل در سمت راست و کاملاً مجزا و به دور از آتش و دیو و عذاب شوندگان قرار دارند. عمده رنگ های به کار رفته در این نگاره ها (به غیر از جبرئیل، پیامبر و براق) عبارتند از سیاه در زمینه، سرخ و طلایی در آتش و عذاب دهندگان که این دو رنگ بیشترین بخش ها را به خود اختصاص داده اند. سایر رنگ ها سبز، در درخت و ظرف های زهر، لاجوردی و بنفش و قهوه ای می باشد.



تصویر ۷- دوزخ (سیر آسمانی) - عذاب غاصبان سهم یتیمان (سمت راست) (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۵۲).
تصویر شماره ۸: درخت دوزخی برگرفته از آیه ۶۲ سوره صافات (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۴۵).

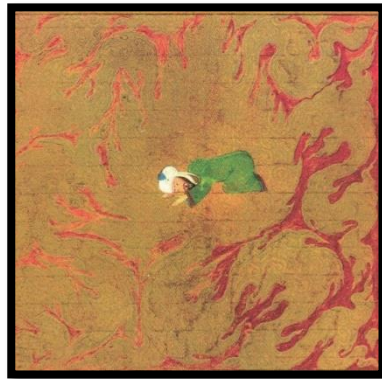
ویژگی های نگاره های دوزخ

- ۱- رنگ های به کار رفته در این بخش گرم و به واسطه استفاده از شعله های آتش بیشتر قرمز و طلایی هستند. زمینه یا آسمان نگاره ها سیاه است که نشان از عذاب و آخر راه می باشد. طلایی در نگاره های بخش های پیشین نماد نور الهی بوده و در بخش دوزخ نشانه آتش است. همچنین رنگ قرمز در نگاره های پیشین رنگ لباس پیامبران بود اما در نگاره های دوزخ رنگ شیاطین و ابزار شکنجه و... می باشد. در آیه ی ۳۷ الرحمن قرمز شدن آسمان و شکافته شدن آن را نماد خطر و قرار گرفتن در آستانه ی حادثه و آتش بیان کرده است.
- ۲- بر طبق آیه ی ۲۷ سوره ی فاطر که بعد از حمر (قرمز) واژه ی غرابیب سود (سیاه کامل) را به کار برده می توان اینگونه استنباط کرد که نگارگر با آگاهی قرمز و سیاه را در کنار هم به کار برده است.
- ۳- تنها رنگ بندی زنده و شاد پوشش پیامبر، براق و جبرئیل است و رنگ سفید تنها در دستار پیامبر بطور بارز استفاده شده است.
- ۴- عناصر و پیکره های دوزخی بسیار شبیه یکدیگر و شیاطین و نگهبانان به رنگ های سبز، قرمز، سیاه، آبی می باشند. هنرمند بنا به نوع عذاب و شکنجه رنگ شیطان را تغییر داده و مشخص کرده است.
- ۵- در تمام این نگاره ها پیکره ی براق به صورت نیمه ترسیم شده است.

۳- رسیدن به عرش الهی

از اینجا سفر سوم معراج آغاز می شود. تا کنون پیامبر سوار بر براق، به راهنمایی جبرئیل مسیر را طی می نمودند، ولی از اینجا به بعد راه را تنها طی می کنند. راهی که هیچ ملک و پیغمبر الهی بدان راه نیافته است. پیامبر فرمودند: «و بالا رفتم به قدری که با ساق عرش الهی یک کمان بیشتر فاصله نبود» (نجم: ۹) " و من از اینجا با دیده دل پروردگار خود را مشاهده کردم" (نجم: ۱۸ و ۱۷) (مجلسی، ۱۳۸۴: ۳۶۷).

این بخش شامل ۵ نگاره است. تصویر ۹ آخرین تصویر از این بخش می باشد که پیامبر (ص) را در حال سجده کردن در بالاترین نقطه عرش الهی نشان می دهد. در این تصویر اثری از آسمان لاجوردی نیست و همه ی آسمان را انوار طلایی و رنگ های قرمز، نارنجی پوشانده است. رنگ ها در تصاویر عروج دارای معانی و مفاهیم قرآنی و بار عرفانی و معنایی زیادی هستند، به طور مثال: در تصویر به سجده رفتن پیامبر (ص) در عبادت پروردگار؛ پیامبر در مرکز تصویر با لباسی سبز در حال ای طلایی که همان انوار الهی ست در حال سجده نشان داده شده اند که نشان از قداست شخص و عمل ایشان دارد. (نگاره شماره ۳۴ کتاب معراجنامه بسیار مشابه با نگاره فوق می باشد با این تفاوت که آسمان آبی لاجوردی است.) دو نگاره هفتاد هزار پرده و هفتصد هزار خیمه از نظر رنگ جزء شادترین و بهترین نگاره های این نسخه اند. سطوح گسترده طلایی، آبی فیروزه ای، بنفش، سبز، زرد و قرمز و قهوه ای و فرشتگانی با همین ترکیب های رنگی و قرارگیری منظم باعث ایجاد آرامش و زیبایی بی نظیری در اثر شده اند.



تصویر ۹- عروج - رسیدن به عرش الهی و عبادت ساحت الهی توسط حضرت محمد(ص) (سگای، ۱۳۸۵: نگاره شماره ۳۸).

ویژگی های نگاره های عروج

- ۱- رنگ طلایی در این بخش علاوه بر هاله ی اطراف پیامبر (ص) کاربرد زیادی در کل اثر دارد که با توجه به معنای آن در قرآن بیانگر تجلی نور می باشد و نگارگر با آگاهی از این اندیشه بر مقام قدسی پیامبر و سفر روحانی ایشان تأکید می نماید. به علت رسیدن پیامبر به عرش الهی آسمان با رنگ طلایی نشان داده شده است.
- ۲- نگارگر در نشان دادن عرش الهی بر طبق روایات و سنت؛ که عرش الهی را هزار رنگ نامیده، از رنگ های متنوع سرد (آبی، بنفش، سبز) و گرم (قرمز، نارنجی، زرد) در کنار هم استفاده کرده و رنگها را برای نشان دادن منظور خود به خوبی به کار برده است.
- ۳- پیامبر در این نگاره ها به علت حضور در عرش الهی تنها و بدون جبرئیل و براق ترسیم شده است و جایگاه قرارگیری ایشان در هر نگاره متفاوت است.
- ۴- در رنگبندی نگاره های هفتاد هزار پرده و هفتصد هزار خیمه جسارت و دقت بیشتری به کار رفته و از جزئیات بیشتری استفاده کرده است.
- ۵- دو تصویر به سجده رفتن و رسیدن به عرش الهی بسیار شبیه به هم و تنها در رنگ آسمان متفاوتند. در تصویر ملاقات با موسی از ترکیب بندی قرینه در زمینه ای لاجوردی و طلایی استفاده و به این وسیله آرامش موجود در این گفتگو را نشان داده است.

جدول شماره ۱: تجزیه و تحلیل مضامین و رنگ های بررسی شده در نگاره های معراجنامه میرحیدر

ردیف	مضمون	موضوع نگاره ها	عناصر اصلی موجود در نگاره ها	رنگ های به کار رفته در نگاره ها	رنگ های مورد مطالعه قرآنی
۱	سیر زمینی	نزول جبرئیل بر پیامبر	پیامبر، جبرئیل، معماری، براق، ابرهای چینی	قرمز، زرد، سیاه، آبی، سبز، سفید، بنفش، ارغوانی، طلایی، نخودی، صورتی، قهوه ای (فرشته بارنگهای رنگی متنوع و پیامبر در لباس سبز)	قرمز، آبی، لاجوردی، سبز، سفید، زرد(طلایی)، سیاه

۲	سیر آسمانی	دیدارهای پیامبر	پیامبر(ص)سوار بر براق، جبرئیل با بال های رنگارنگ، فرشتگان و پیامبران، نور	سفید، قرمز، سبز، ارغوانی، طلایی، لاجوردی، کرمی، یاسی، قهوه ای، صورتی، بنفش	قرمز، آبی، لاجوردی، سبز، سفید، زرد(طلایی)، سیاه
۳	سیر آسمانی	بهشت و حوربان	پیامبر(ص)سوار بر براق، هاله نور، حوربان، جبرئیل، معماری، رود، درختان، حیوان (شتر)	سفید، قرمز، سبز، زرد، ارغوانی، طلایی، لاجوردی، صورتی، نقره ای ، قهوه ای	قرمز، آبی(لاجوردی)، سبز، سفید، زرد(طلایی)
۴	سیر آسمانی	درگاه دوزخ	جبرئیل، پیامبر، براق، دیوها، شکنجه گران، آتش، گناهکاران، ابزار شکنجه (شمشیر و خنجر)، حیوانات(قبیل مار، عقرب، رتیل، خوک و..)	طلایی، سیاه، قرمز، سبز، سفید، آبی	قرمز، آبی، سبز، سفید، طلایی، سیاه
۵	عروج	عرش الهی	پیکره پیامبر(ص) ، نور، پرده، خیمه، حضرت موسی، فرشتگان	قرمز، سبز، سفید، طلایی، اکر، ارغوانی، یاسی	قرمز، سبز، سفید ، طلایی، سیاه

با بررسی نگاره ها و جدول شماره یک می توان به نتایج زیر دست یافت :

- ۱- در تمام نگاره ها جبرئیل به همراه براق پیامبر را هدایت و راهنمایی می کنند، به جز در نگاره های عروج.
 - ۲- در تمام نگاره ها پیامبر در سمت راست تصویر قرار دارد.
 - ۳- در بیشتر نگاره ها نیمی از پیکر براق خارج از کادر است که نمایانگر گذر از مرحله ی قبل به مرحله جدید است.
 - ۴- رنگ آسمان و هم چنین عناصر موجود در آن، بنا بر مرحله ی سیر تفاوت دارد و به رنگهای آبی، لاجوردی طلایی و سیاه دیده می شود.
 - ۵- در نگاره های سیر زمینی از عناصر ملموس تر و زمینی همچون معماری، رنگ آسمان طبیعی (آبی روشن یا لاجوردی) به همراه ابرهای سفید استفاده شده است.
 - ۶- در نگاره های سیر آسمانی لکه های طلایی و آسمان لاجوردی آمده است. در قرآن آسمان لاجوردی مربوط به دنیایی دیگر(در برخی موارد آسمان شب) بیان شده است.
 - ۷- رنگ لباس پیامبر در تمام نگاره ها سبز با دستاری سفید و هاله ای طلایی به دور ایشان است که همه بیانگر مقام و قداستشان می باشد و نگارگر سعی دارد از رنگ ها معنایی دینی را مستفاد کند.^۹ رنگ ارغوانی براق، لباس جبرئیل و عناصر مربوط به آنها در همه ی نگاره ها یکسان است. در نگاره های بهشت و عروج از رنگ های شاد و متنوع استفاده شده و در دوزخ که نمایان گر پایان راه است، زمینه ی اصلی به رنگ سیاه می باشد.
 - ۸- رنگ قرمز و سبز معمولا در کنار هم آمده و در همه ی نگاره ها دیده می شود. (لباس پیامبر و بدن براق، یا ...).
- نمونه روشن این مصداق را در آیه ی ۸۰ سوره ی یس می توان دید که آتش قرمز و نارنجی و درخت سبز را در کنار

^۹ طبق آیه ۲۱ سوره زمر، رنگ سبز نماد حیات است و رنگ زرد نماد زوال، رنگ طلایی از طیف زرد، رنگی جذاب و مسرت بخش است و نماد آخرت و ایمان است، گنبدهای طلایی اماکن مقدس روحیه ایمان و تفکر به معاد را برای انسان یادآور می شود (ایتن، ۱۳۸۲، ۲۱۹)

هم قرار داده و به این وسیله با استفاده از رنگ های مکمل، یک اثر هنری رنگی خلق کرده است. با توجه به تحلیل نگاره ها و مجاورت دو رنگ مکمل قرمز و سبز، مشخص می گردد هنرمند آگاهانه از این تضادهای رنگی برای تأکید بر شخصیت مورد نظر خود و همچنین ارتباط آن با موضوع عرفانی نگاره استفاده کرده است. قرمز در تضاد با رنگ سبز جامه ی پیامبر و هاله ی طلایی اطراف سر ایشان نوعی بهره گیری معنایی با کاربرد ویژه مقابل رنگ سبز نیز دارد. رنگ قرمز سرشار از نیروی جاذبه به عنوان نماد عشق زمینی است و حرکت تهاجمی را القا کرده و چشم بیننده را متمرکز می سازد. در عوض رنگ سبز که از نگاه عرفا از بن مایه های قرآنی و دینی برخوردار است نشان از دانش، ایمان و قداست دارد، برای جامه ی پیامبر به کار رفته است. وجود این میزان تطبیق نشان می دهد که نقاش برای مصور کردن ادبیات عرفانی علاوه بر قرآن به سراغ اندیشه های عرفانی نیز رفته است.

۹- کاربرد و استفاده از تنوع رنگ در تمام نگاره ها یکی است فقط در میزان استفاده از رنگ (بخصوص در رنگ زمینه) تفاوتی وجود دارد که شاید دلیل اصلی آن مفهوم نگاره هاست.

۱۰- با توجه به موضوع معراج پیامبر به آسمان، هنرمند با تفاوت قائل شدن در رنگ آسمان مراحل متفاوت این سفر را نشان داده است.

۱۱- در این آثار با توجه به تحلیل های رنگی نگاره ها مشخص می گردد هنرمند آگاهانه از تضادهای رنگی برای تأکید بر شخصیت های مورد نظر خود و همچنین ارتباط آن با موضوع عرفانی نگاره استفاده نموده است. رنگ در این آثار در ارتباط مستقیم با ترکیب بندی و موضوع قرار می گیرد و مانند خطوط و گستره ها چشم را در سطح نقاشی به حرکت وا می دارد. در این نگاره ها رنگ های لاجوردی، طلایی، سبز و تقابل و هماهنگی آنها برای القای بار معنایی اثر بسیار هدایت گرند.

۱۲- رنگ طلایی در این آثار علاوه بر هاله ی دور سر پیامبر و انسان های مقدس دیگر، کاربردی یکدست در کل اثر دارد که با توجه به معنای آن در قرآن بیانگر تجلی نور می باشد و نگارگر با آگاهی از این اندیشه بر مقام قدسی پیامبر و سفر روحانی ایشان تأکید می نماید.

۱۳- در تمام نگاره های معراج نامه رنگ ها به طور هوشمندانه و برای بیان مقاصد، تعریف خاص خود را داشته و مناسب با احوال هر نگاره تغییر داده شده اند. همچنین تفسیرهای عرفانی و برداشت های شخصی هنرمند از این واقعه را نشان می دهند.

نتیجه گیری

اسرار بسیاری در دنیای رنگ ها نهفته است که تامل و تفکر در آنها آشنایی انسان با علم و حکمت و قدرت الهی را در پی دارد. رنگها در آیات الهی یکی از نشانه های حرکت توحیدی اند همانگونه که گفته می شود، خداوند نور آسمان ها و زمین است؛ نور الهی منشأ رنگ الهی است. *صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً* (بقره ۱۲۸) رنگ خدایی (بپذیرید!) رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! این تعبیر زیبا و لطیف و هنری قرآن کریم است که ایمان و توحید و اسلام را به رنگ خدایی معرفی می کند.

باید اذعان کرد رنگ هایی که در نگارگری ایرانی به کار برده شده، به ویژه رنگ های طلایی، نقره ای، لاجوردی و فیروزه ای ساخته و پرداخته ی توهم ذهنی نگارگر نیست؛ بلکه محصول باز شدن چشم دل او و رؤیت عالم مثالی است. همان عالمی که طبق نظر حکمای اسلامی (همچون ملاصدرا) مقرر بهشت است. در بیان نقاشان ایرانی، رنگ همان نور است و هنرمند می کوشد به وسیله ی رنگ ها و آشنا شدن با عوالم نورانی با عالم ملکوت پیوند پیدا کند.

نگاره های ایرانی به علت اصالت بازنمایی فضای مثالی در بطن خود در رده ی هنرهای ماورایی قرار می گیرند، زیرا که مفهوم زمان و مکان در آنها به صورت ازلی خود باز می گردد و آنچه در نگاره های معراج نامه نظرها را به خود جلب می کند و باعث تفکیک آنها از دیگر نگاره ها می شود، ماهیت موضوعی آنهاست.

در معراجنامه، ماهیت رنگ ها و کیفیت آنها مورد توجه بوده و از قدرت طراحی و حرکت روان قلم به همراه رنگ پردازی نورانی و عرفانی با بهره گیری از رنگ های قرمز و نارنجی در لباس فرشتگان و رنگ سبز در لباس حضرت رسول (ص) که رنگ متضاد نارنجی و قرمز بوده جهت نمایان شدن ایشان استفاده شده و رنگ آبی لاجوردی در آسمان که تجلی ملکوت بوده نشانه به کارگیری جنبه عرفانی رنگ در هنر نگارگری ایرانی است.

پس از تجزیه و تحلیل آثار، با توجه به قدرت بالای نگارگر در کاربرد رنگ و هماهنگی آن با محتوای کلام، و با وجود تنوع فراوان رنگ ها، هنرمند به حقیقت رنگ ها و عالمی که این رنگها را نشان داده اند پی می برد و سعی در هدایت مخاطب به سوی حقیقت دارد، اینجاست که می توان بیان کرد هنرمند به جوهر و ماهیت عرفانی رنگ ها پی برده است و توانسته آنها را در آثار این مجموعه به فعلیت برساند.

در نگاره های معراج نامه می توان مصادیق کاربرد نمادین رنگ ها را از نظر قرآن یافت. بیشترین رنگ ها از نظر میزان کاربرد را می توان رنگ لاجوردی برای آسمان شب، طلایی برای نور آسمان ها و نشان دادن تقدس پیامبر دانست. سایر رنگ ها همچون سبز برای لباس پیامبر به عنوان رنگ مقدس و آرامش بخش در قرآن و روایات، سیاه و قرمز برای دوزخ و سفید برای دستار پیامبر دانست. رنگ های دیگر در عناصر و جزئیات نگاره ها همچون معماری و ابزار متفرقه یکسان به کار رفته است.

در نگاره های بهشت از تمام رنگ ها به صورت روشن استفاده شده خصوصاً رنگ قرمز و رنگ های گرم برای نشان دادن خوشی، گرما و شور و هیجان؛ همانگونه که قرآن با معرفی بهشت به رنگ سفید، مخاطب را وادار به تصور بهترین حالت این رنگ می کند. در نگاره های سیر زمینی از رنگ ها به یک اندازه استفاده شده است و تقابل دو رنگ مکمل سبز و قرمز به وضوح مشخص است. در نگاره های پیامبران، آسمان لاجوردی که با انوار الهی احاطه شده بود و دارای نقطه های طلایی رنگ بود نشان از تقدس و گذر از یک آسمان به آسمان دیگر و مسأله ی عروج را دارد. در نگاره های دوزخ سیاه برای زمینه (آسمان) و قرمز و طلایی برای نشان دادن آتش، بیشترین کاربرد را داشته است. در نگاره های عروج به واسطه ی حضور پیامبر در محضر خداوند طلایی بیشترین و بهترین کاربرد را برای انتقال مفاهیم مورد نظر داشته است.

باید گفت قرآن انطباق وحی با واقعیت است و خداوند فطرت انسانی را مطابق با کلام خود، هم سو کرده است. از تأمل در آیات و روایات به وضوح به دست می آید که: رنگها حسن و قبح ذاتی ندارند و هر رنگ دارای جنبه های روانی مثبت و گاه منفی در بسترهای متفاوت می باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابوطالبی، الهه (۱۳۷۲)، مفاهیم نمادین رنگ ها ، اداره پژوهش های اسلامی سیما، بی جا.
- ایهام پوپ، آرتور (۱۳۷۸)، سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۳)، حقیقت و زیبایی، تهران، نشر مرکز.
- ادیب بهروز، محسن (۱۳۸۷)، معراج از دیدگاه قرآن و روایات، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ایتن، یوهانس (۱۳۹۱)، هنر رنگ، ترجمه عربعلی شروه، تهران، فرهنگسرای یساولی.
- بغدادی، آلوسی (۱۴۰۵)، تفسیر روح المعانی، بیروت، جلد ۲۲، داراحیاء التراث العربی.
- پوپ و دیگران (۱۳۸۴)، سیروصورنقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی.
- ولان، براید. ام (۱۳۷۸)، همنشینی رنگ ها، جلد دوم، ترجمه فریال دهدشتی و ناصر پورپیراز، تهران، کارنگ.
- سگای، ماری رز (۱۳۸۵)، معراج نامه سفر معجزه آسای پیامبر(ص)، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴)، هنر شیعی: عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه نگاری تیموریان و صفویان، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شریفی، علی (۱۳۹۳)، رنگ از منظر قرآن حدیث و روانشناسی، دو فصلنامه علمی - ترویجی قرآن و علم، سال هشتم، ش ۱۴، بهار و تابستان، ۱۶۱، ۱۸۲
- شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۹)، معراج نامه نسخه های خطی...، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.
- عکاشه، ثروت (۱۳۸۰)، نگارگری اسلامی، ترجمه سید غلامرضا تهامی، چاپ اول، تهران، سوره ی مهر.
- قرشی، باقر شریف (۱۴۰۹)، حیاة الامام زین العابدین (ع): دراسه و تحلیل، دار الکتب الاسلامی.
- کاندینسکی، واسیلی (۱۳۷۹)، معنویت در هنر، ترجمه اعظم نورالله خانی، چاپ دوم، تهران، اسرار دانش.
- کرین، هانری (۱۳۷۹)، انسان نورانی در تصوف ایرانی، ترجمه فرامرز جواهری نیا، تهران، انتشارات گلبان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴)، بحار الانوار، قم، انتشارات کتابچی.

فهرست مقالات:

- افشار، مرتضی (حبیب الله آیت اللهی، محمدعلی رجبی) (۱۳۸۴)، "بررسی روند نمادگرایی شمایل ها در نگارگری اسلامی از منظر نشانه شناسی"، نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۳، پاییز زمستان.
- پیشوازاده، شیلا (۱۳۸۵)، "زیبایی شناسی رنگ در معراج نامه ها"، مجموعه مقالات منتخب همایش تجلی حسن محمدی (ص) در هنر، رسالت یعقوبی، تبریز.
- شمسی، لاله، شاد قزوینی، پریسا (۱۳۸۵)، "معراج نامه نگین درخشان نگارگری ایلخانی"، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص ۸۵-۹۲
- محمودی، احمد (۱۳۸۷) رنگ در قرآن، فصلنامه بینات، ش ۵۷، س پانزدهم. صص ۵۸-۸۳

- Chijiwa , Hideako (1987), "Color Harmony: A Guide to Creative Color Combinations", Rockport, Massachusett.
- Itten, Johannes (1997), The Art of Color: The Subjective Experience and Objective Rationale of Color, Usa, John Wiley & Sons. 85
- Luscher, max.(1990), "The Luscher Color Test: The Remarkable Test that Reveals Personality Through Color", Pocket Books, New York.
- Morris, james W (1988), "The Spiritual Ascension: Ibn 'Arabî and the Mi'râj" In Journal of the American Oriental Society, vol. 107 (1987), pp. 629-652, and vol. 108 (1988), pp. 63-77.
- Seguy, Marie-Rose (۱۹۷۷)"The Miraculous Journey of Mahomet : Miraj Nameh: Bibliotheque Nationale", George Braziller,Paris.

Persian index

- Quran- e- Karim
- Abutalebi, Elahe (1372), Symbolic Concepts of Colors, The Office of Islamic Research Sima.
- Apham Pup, Arthur (1999), Persian Garlic and Drawings, translation by Yaghoub Azhand, Tehran, Mola Publications.
- Ahmadi, Babak (2004), Truth and Beauty, Tehran, markaz Publication.
- Adib Behrouz, Mohsen (2008), Ascension from the Perspective of the Qur'an and Traditions, Tehran, International Publishing Company.
- Ethan, Johannes (1391), Art of Color, Translation of the Arabic Literature, Tehran, Yasavoli Culture Center.

- Baghdadi, Alousi (1405), Interpretation of Rooh Al-Me'ani, Beirut, Darahiyat al-Tarath Al-Arabi, Vol. 22.
- Pope and others. (2005), Persian translation of Iran, translation of Yaghoub Azhand, Tehran, Mola.
- Whelan, Bride M (1999), Color Composition, Vol. II, Translation by Feryal Dehdashti and Naser Pourpirar, Tehran, Karang.
- Seguy, Mari - Rose (2006), Away from the miraculous journey of the Prophet, translation by Mahnaz Shayestefar, Tehran, Institute for Islamic Studies Studies.
- Shayesteh Far, Mahnaz (2005), Shi'a Art: Shi'a Art Elements in the Painting and Inscription of the Timurid to Safavid, Tehran, Islamic Studies Studies Institute.
- Sharifi, Ali (1393), Color from the perspective of the Qur'an , Hadith and Psychology, Two Quarterly Journal of the Quran and Science Promotion, Eighth Year, 14th, Spring and Summer, 161, 182
- Shin Dashtgol, Helena (2010), miraj nameh , Manuscripts of ..., Tehran, elmi farhangi Publishing.
- Tabatabaei, Mohammad Hussein (1372), Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, fifth edition, Tehran, Islamic Publications Office.
- Akasha, Sarvat (1380), Islamic painting, translated by Seyyed Gholam Reza Thahami, First edition, Tehran, Sura Mehr.
- Gharashi, Baqer Sharif (1409), Hayat al-imam Zain al-Abedin : In the context of analysis, dar-al- ketab-e-Islami.
- Kandinsky, Vasili (2000), spirituality in art, translation by Azam Nurullah Khani, second edition, Tehran, Asrare Danesh.
- Corbon, Henry (2000), Luminous Man in Iranian Sufism, Translation by Faramarz Javaherinia, Tehran, Golban Publications.
- Majlesi, Mohammad Bagher (2005), Bohar Ol Anvar, Qom, Ketabchi Publishing.

index of articles:

- Afshar, Morteza (Habibollah Ayatollahi, Mohammad Ali Rajabi) (2005), "A Study of the Symbolism Process in Islamic Impression the Point of View of Semiology", Journal of Islamic Art Studies, No. 13, Autumn and Winter.
- Pishvazadeh, Shila (2006), "The Color Aesthetics in the miraj namehs", Proceedings of the Hosn Mohammadi Contemplation Conference in Art, Resalat e Yagwobi, Tabriz.
- Shamsi, Laleh, Shad Ghazvini, Parisa (2006), "The Miraj Nameh the Illuminated Paintings of Ilkhani," Ziba Art Quarterly, No. 28, pp. 85-92.
- Mahmoodi, Ahmad (2008) Color in the Quran, bayynat Quarterly joirnal, p. 57, p.15. Pp. 58-83

Abstract

The Analysis of the Use of Color in Miraj Nameh (Mir haydar) Based on the Position of Color in Quran

Miraj Nameh of Mir Haydar (the story of Ascension) is a mystic story describing the miraculous ascending of the Prophet Mohammed in a night that left the Earth and ascended the God's presence. It's the most popular religious concept in visual arts and Islamic miniature of Iran in which it's made an appropriate place in creativity and innovation of the miniatures. This book is written in 1435-1436, 830-840 for Shahrokh Timuri. The present study investigated the chromatic symbols and the concepts used in Quran and how the miniaturist used these symbols and concepts in presenting the religious contents. The miniaturist presented the Islamic religious concepts in line with the theoretical principles of Quranic and Islamic epistemology by knowing the importance of using colors and lights in mysticism and wisdom in a way that in this collection the dominance of color over writing is obvious. The data gathered by using an analytical-descriptive method.

The purposes of the study:

1. Analyzing the concepts and the place of color in Quran and its effect on Miraj Nameh's paintings.
2. Recognizing the miniaturist influenced by Quran and manifestation of concepts and meanings and its principles in Miraj Nameh's paintings.

The research questions:

1. What features does "color" have in Miraj Nameh's paintings and how can we investigate the Quranic concepts in these paintings?
2. What effects does "color" have in creating the patterns, schema, and colors of Miraj Nameh's paintings?

Keywords: Mir-Heydar Mirajnameh - color- Quran- painting